



تاریخ دقیق درگذشت خاقانی شروانی*

سید محسن حسینی وردنجانی[†]

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

(از ص ۶۱ تا ۷۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

علمی-پژوهشی

چکیده

یکی از خوشبختی‌های هر شاعر کهن می‌تواند وجود دست‌نویس‌های مضبوط از اشعار او و وجود آگاهی‌های درست از سوانح زندگی‌اش باشد. متأسفانه دست‌نویس‌های کهن و ارزشمند شاعران پیش از مغول کمند و نیز آگاهی‌های دقیق و درستی درباره سوانح زندگی بسیاری از این شاعران در اختیار نداریم. خوشبختانه خاقانی از معدود گویندگان کهن است که هم دست‌نویس‌های خوب و مضبوطی از آثار او در اختیار داریم و هم بسیاری از سوانح زندگی‌اش برای ما شناخته شده است و این، دو دلیل عمده دارد: نخست، خود خاقانی است که درباره بسیاری از وقایع زندگی‌اش به مخاطب آگاهی می‌بخشد و دیگر، وجود منابعی است که اطلاعات ارزشمندی درباره زندگانی خاقانی در اختیار ما می‌گذارند. یکی از این آگاهی‌ها، سال‌زاد و سال‌مرگ دقیق اوست که اکنون، به‌واسطه دست‌نویس‌های کهن در اختیار ماست. در این پژوهش تلاش کرده‌ایم با تکیه بر روش کتابخانه‌ای، نخست، تاریخ-های مختلفی که برای درگذشت خاقانی عنوان شده است، گزارش و سپس آن‌ها را نقد کنیم و در پایان، تاریخ دقیق و درست درگذشت او را که در میانه دو دست‌نویس کهن و مضبوط دیوان او یافته‌ایم، ارائه کنیم؛ بر این اساس، خاقانی در ۲۱ شوال ۵۸۱ق درگذشته است؛ که این تاریخ برابر است با هفتم بهمن سال یکصد و هفت ملکشاهی.

واژه‌های کلیدی: خاقانی، تاریخ دقیق درگذشت خاقانی، نسخه، دست‌نویس دیوان خاقانی، ۲۱ شوال ۵۸۱ق.

*. تقدیم به خاقانی‌شناس فرهیخته و نستوه، مرحوم دکتر سیدضیاءالدین سجّادی.

۱. مقدمه

آشنایی درست با زندگی‌نامه و سوانح عمر هر گوینده‌ای، یکی از پیش‌نیازها و ملزومات پژوهش دقیق و تخصصی در آثار اوست. متأسفانه به‌طور کلی سنت ادبی ما در گذشته به‌گونه‌ای نبوده است که تاریخ زندگانی شاعران و نویسندگان را خود یا نزدیکانشان ثبت و ضبط کنند و از همین‌روست که حتی زادسال و سال‌مرگ اغلب بزرگان ادب پارسی محل اختلاف است.

بی‌شک، یکی از آرزوهای هر پژوهشگر متخصص، رسیدن به تاریخ دقیق یا نزدیک‌به‌یقین ولادت و درگذشت شاعر یا نویسنده مورد نظر است. در میان شاعران پرآوازه فارسی، خاقانی از معدود گویندگانی است که علاوه بر اینکه خودش ما را با سوانح و تاریخ زندگانی‌اش آشنا می‌کند، تاریخ ولادت و درگذشت او نیز در دست‌نویس‌های کهن ضبط شده است.

در منابع قدیم و جدیدی که به زادسال خاقانی اشاره کرده‌اند، اختلاف زیادی دیده نمی‌شود و اغلب منابع، سال ۵۲۰ق را سال تولد او دانسته‌اند؛ اما تقریباً درباره سال درگذشت او، می‌توان اختلافات زیادی در منابع قدیم و جدید دید؛ چنان‌که میان نخستین و واپسین تاریخی که برای مرگ وی در منابع آورده‌اند، پانزده سال اختلاف است.

به دست‌دادن تاریخ دقیق درگذشت خاقانی، عامل بسیار مؤثری در تعیین تاریخ دقیق سوانح عمر و سرایش برخی اشعار اوست و همین امر ضرورت پژوهش در این موضوع را آشکارتر می‌کند. در این راستا یکی از دغدغه‌های نگارنده در بررسی دست‌نویس‌های کهن، رسیدن به اسنادی بود که بتوان با تکیه بر آن‌ها تاریخ دقیق درگذشت خاقانی را روشن کرد.

همان‌گونه که گفته‌اند: «من طلب شیئاً و جدّ، و جدّ» سرانجام، جست‌وجوها به نتیجه رسید و نگارنده در دو دست‌نویس کهن به تاریخ دقیق درگذشت خاقانی برخورد. تاریخ موجود در این دو دست‌نویس، با منابع دیگری نیز تأیید می‌شود. بر همین اساس، در این پژوهش سعی می‌کنیم نخست، با دسته‌بندی اقوال مختلف و نقد آن‌ها و سپس با تکیه بر منابع کهن، تاریخ دقیق درگذشت خاقانی را به دست دهیم.

تقریباً اغلب منابعی که در گذشته و حال به معرفی خاقانی و شعر او پرداخته‌اند، به تاریخ درگذشت و آرامگاه او در مقبرة الشعراء تبریز اشاره کرده‌اند؛ اما دو جستار با نگاه دقیق‌تر و تخصصی‌تری به تاریخ درگذشت وی پرداخته‌اند:

الف) شفیعی کدکنی در مقدمه منطلق‌الطیر (۱۳۸۳) با تکیه بر اطلاعات دست‌نویسی از کتابخانه لالاسماعیل ترکیه که به گفته شفیعی در تاریخ ۷۵۰ق کتابت شده است، سال ۵۹۱ق را سال قطعی درگذشت خاقانی معرفی می‌کند؛

ب) محمدرضا ترکی در مقدمه غایت ابداع (۱۳۹۸) با استناد به مجموعه خطی‌ای که به تاریخ ۵۸۱ق کتابت شده است و در بخشی از آن دو نامه عربی از خاقانی آمده است، عنوان می‌کند که خاقانی پیش از رمضان ۵۸۱ق درگذشته است. ما این هردو نظر را در بخش بعدی نقد خواهیم کرد.

۳. بحث و بررسی

چنان‌که پیش از این اشاره شد، اقوال مختلف درگذشت خاقانی، بازه‌ای پانزده‌ساله را دربرمی‌گیرد. در این قسمت، بررسی خود را نخست، با دسته‌بندی گفتار منابع مختلف آغاز و تلاش می‌کنیم در هر بخش، به مهم‌ترین آثاری که آن تاریخ را ضبط کرده‌اند، اشاره کنیم.

۳-۱. دسته‌بندی تاریخ‌ها

دسته‌بندی خویش را بر اساس سیر تاریخی اقوال پیش می‌گیریم.

۳-۱-۱. سال ۵۸۱ق

کهن‌ترین منبعی که این سال را برای درگذشت خاقانی عنوان کرده است، تلخیص‌الآثار باکویی است (باکویی، ص ۵۹). این کتاب در نیمه نخست قرن نهم تحریر شده است. خلاف برخی گفتارها،^۱ این اثر چنان‌که از نامش پیداست، تلخیص آثارالبلاد قزوینی است. اثر دیگری که این تاریخ را برای درگذشت خاقانی درست می‌داند، غایت ابداع است. محمدرضا ترکی در مقدمه این اثر نوشته است که خاقانی پیش از رمضان این سال (۵۸۱ق) درگذشته است (خاقانی ۵، ص ۶۱). چنان‌که پیداست، تعداد کمی از منابع این سال را برای درگذشت خاقانی پذیرفته‌اند.

۳-۱-۲. سال ۵۸۲ق

بیشتر منابع پیش از دوران معاصر، این سال را برای درگذشت خاقانی معرفی کرده‌اند. از میان این منابع می‌توان به این آثار اشاره کرد: بناکتی در روضة اولی‌الالباب (تألیف ۷۱۷ق)، مستوفی در تاریخ گزیده (تألیف ۷۳۰ق)، فصیح خوافی در مجمل (تألیف ۸۴۵ق)، دولت‌شاه در تذکره^۲ (تألیف ۸۹۲ق)، کربلایی در روضات الجنان (تألیف قرن دهم)، رازی در هفت‌اقلیم (تألیف ۱۰۰۲ق)، تقی‌الدین کاشانی در خلاصة الأشعار (تألیف ۱۰۱۶ق)، بهاری سیستانی در خیر البیان (تألیف ۱۰۱۹ق)، حاجی خلیفه در تقویم‌التواریخ (تألیف ۱۰۵۸ق)، خاتون‌آبادی در وقایع‌السنین (تألیف ۱۰۹۷ق)، آذربیکدلی در آتشکده (تألیف ۱۱۹۳ق)؛ هدایت در مجمع‌الفصحاء (تألیف ۱۲۸۴ق)؛ اسرار تبریزی در منظرالاولیاء (تألیف ۱۳۰۴ق)؛ (بناکتی، ص ۲۰۵؛ مستوفی، ص ۷۲۸؛ فصیح خوافی، ج ۲، ص ۲۶۶؛ دولت‌شاه (۱)، ص ۸۲؛ کربلایی تبریزی، ج ۱، ص ۲۰۳؛ رازی، ج ۳، ۱۴۴۸؛ کاشانی، ب ۴۱؛ بهاری سیستانی، ص ۱۳۳؛ حاجی خلیفه، ص ۱۰۸؛ خاتون‌آبادی، ص ۳۲۰؛ آذربیکدلی، ج ۱، ص ۳۶؛ هدایت، ج ۱، ص ۷۳۲ و اسرار تبریزی، ص ۲۲۳).

البته تعداد کمی از منابع معاصر نیز این تاریخ را پذیرفته‌اند؛ مانند نفیسی و براون در تاریخ ادبیات (نفیسی، ج ۱، ص ۱۰۴ و براون، ج ۲، ص ۹۰).

۳-۱-۳. سال ۵۹۰ق

ظاهراً نخستین منبعی که خاقانی را تا سال ۵۹۰ق زنده می‌داند، حبیب‌السیر (تألیف ۹۳۰ق) است. نویسنده این کتاب معتقد است خاقانی در حادثه فتح اصفهان از سوی تکش‌خان که در ۵۹۰ق اتفاق افتاده، شعری سروده است (خواندمیر، ج ۲، ص ۶۴۲). این نظر خواندمیر بر آثار دیگری مانند خزانه عامره (تألیف ۱۱۷۶ق) و ریاض‌السیاحه (تألیف ۱۲۳۷ق) تأثیر گذاشته است (آزاد بلگرامی، ج ۱، ص ۳۱۳ و شیروانی، ج ۲، ص ۱۲۶). در روزگار معاصر شبلی نعمانی و همایی نیز همین سال را برای درگذشت خاقانی پیشنهاد می‌کنند (شبلی نعمانی، ج ۵، ص ۱۹ و همایی، ص ۱۶۸).

۳-۱-۴. سال ۵۹۱ق

ظاهراً تنها منبعی که این سال را برای درگذشت خاقانی عنوان کرده است، جنگی است که در قرن هشتم کتابت شده است و شفیع کدکنی نخستین کسی است که این مجموعه را معرفی کرده است.

۳-۱-۵. سال ۵۹۵ق

بیشتر منابع معاصر و تعداد محدودی از منابع گذشته معتقدند خاقانی در ۵۹۵ق درگذشته است. گزارش جهانگشا (تألیف ۶۵۸ق) نشان می‌دهد خاقانی در واقعه فتح اصفهان (۵۹۲ق) که به دست تکش‌خان خوارزم‌شاه صورت گرفت، زنده بوده و شعری سروده است (جوینی، ص ۳۷۲). در حقیقت خواندمیر نیز به همین شعر اشاره کرده است؛ اما اختلاف در تاریخ واقعه فتح اصفهان است که خواندمیر آن را در ۵۹۰ق و جوینی در ۵۹۲ق می‌داند.

در میان گذشتگان این منابع به ۵۹۵ق اشاره کرده‌اند: یمینی در لطایف اشرفی (تألیف قرن ۸)؛ فخری هروی در روضة‌السلطین (تألیف ۹۶۲ق)؛ بقایی بخارایی در مجمع‌الفضلاء (تألیف حدود ۹۹۶ق)؛ لودی در مرآة‌الخیال (تألیف ۱۱۰۲ق)؛ شیرازی در طرائق‌الحقایق (تألیف قرن دوازدهم)؛ گوپاموی در نتایج‌الافکار (تألیف ۱۲۵۸ق) (یمینی، ج ۲، ص ۳۶۸؛ فخری هروی، ص ۲۰۳؛ بقایی بخارایی، ص ۸۰؛ لودی، ص ۲۵؛ شیرازی، ج ۲، ص ۶۲۵ و گوپاموی، ص ۲۶۲).

در میان معاصران، فروزانفر گفتار جوینی را پذیرفته است و با تکیه بر دیدگاه گوپاموی در نتایج‌الافکار سال ۵۹۵ق را اصحّ اقوال می‌پندارد (فروزانفر، ص ۶۴۶). دیدگاه فروزانفر تأثیر بسزایی بر پژوهشگران معاصر داشته است و در نتیجه آن، اغلب منابع معاصر، درگذشت خاقانی را در ۵۹۵ق نوشته‌اند؛ برخی از مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: صفا، رپیکا و رضازاده شفق در تاریخ ادبیات؛ دیهیم در تذکره شعرای آذربایجان و حمیدی شیرازی در بهشت سخن (صفا، ج ۲، ص ۷۸۰؛ رپیکا، ص ۲۸۵؛ رضازاده شفق، ص ۳۴۳؛ دیهیم، ج ۵، ص ۸۹ و حمیدی شیرازی، ص ۴۷۲). جدا از کسانی که بر اساس ابیات خاقانی در فتح اصفهان بر سال ۵۹۵ق حکم کرده‌اند، غفار کندلی بر اساس

استامپاژی که از سنگ قبر خاقانی تهیه شده بوده، تاریخ درگذشت او را ۵۹۵ق دانسته است (کندلی هریسچی، ص ۱۰۱).

در میان معاصران می‌توانیم دیدگاه‌های دیگری را نیز ببینیم؛ مثلاً زرین کوب تاریخ ۵۹۶ق را برای درگذشت خاقانی ذکر کرده است (زرین کوب، ص ۱۹۲). البته در میان منابع ادبی، گاهی تاریخ‌های عجیبی نیز ذکر شده است؛ مانند احتمالی که شاهنوازخان برای سال ۵۳۲ق ذکر کرده است (شاهنوازخان، ص ۲۵۲)؛ چراکه در این سال خاقانی دوازده ساله بوده است.

۲-۳. بررسی و نقد تاریخ‌ها

در میان تاریخ‌های پیش‌گفته دو تاریخ ۵۸۱ و ۵۹۱ق بر گزارش دست‌نویس‌های کهن استوارند و دو تاریخ ۵۹۰ و ۵۹۵ق بر شعری منسوب به خاقانی متکی‌اند که به مناسبت فتح اصفهان سروده شده و قول ۵۸۲ق بر اساس تواتر نقل شده است و صاحب استدلال نیست. در اینجا بحث خود را با بررسی متواترترین تاریخ، یعنی ۵۸۲ق پی‌می‌گیریم.

۱-۲-۳. نقد گزارش ۵۸۲ق

این تاریخ، بیشترین نقل را در منابع دارد. ترکی در نقد این گزارش دلایلی دارد که درست و علمی می‌نماید:

الف) در مجموع آثار خاقانی اشاره‌ای نیست که بتوان بر اساس آن حکم کرد که خاقانی پس از ۵۸۱ق را دریافته باشد؛

ب) با اینکه خاقانی در تمام آثارش سخن از قران سال ۵۸۲ق و باطل بودن حکم ستاره‌شناسان کرده است؛ اما در مجموع آثارش هیچ اشاره‌ای به رخ‌ندادن این واقعه ندارد و این نشان می‌دهد او تا این تاریخ زنده نبوده است؛

ج) خاقانی در قصیده «خراسان» که در ۵۸۰ق سروده است، از قصدش برای سفر به خراسان می‌گوید؛ اما این سفر هرگز انجام نشد؛ چراکه مرگ به او مجال این کار را نداد (خاقانی، ۵، ۵۸-۶۸). طبیعتاً با این استدلال‌ها که شواهد نیز آن‌ها را تأیید می‌کند، نمی‌توان این سال را سال وفات خاقانی دانست.

۲-۲-۳. نقد دو گزارش ۵۹۰ق و ۵۹۵ق

چنان‌که اشاره شد، این دو قول بر پایه سروده‌ای هستند که در تاریخ جهانگشا و حبیب‌السیر به خاقانی منسوب شده است. مطلع این شعر چنین است:

مژده که خوارزمشاه ملک صفهان گرفت ملک عراقین را همچو خراسان گرفت
(جوینی، ص ۳۷۲ و خواندمیر، ج ۲، ص ۶۴۲)

این ابیات در هیچ‌یک از چاپ‌های دیوان خاقانی نیست. ترکی در مقدمه غایت ابداع، این ابیات را از آن شرف‌الدین شفروه می‌داند و می‌گوید این ابیات در دیوان او موجود است (خاقانی، ص ۶۴). علاوه بر گفتار ترکی، خاقانی جز «آتسز» هیچ‌یک از خوارزمشاهان را نستوده است و این اتفاق هم در روزگار جوانی او بوده و اصلاً دلیلی نداشته است، خاقانی پس از کناره‌گیری از دربار شروان در ۵۷۱ق و کوچ به تبریز و به‌رغم داشتن وضعیتی معیشتی خوب و مناسب، پیرانه‌سر در پی دربار خوارزم باشد. استدلال غفار کندلی نیز بر اساس این استامپاژ است:



تصویر ۱: استامپاژ سنگ قبر خاقانی

سجّادی و ترکی معتقدند که بر اساس نظر کارشناسان این استامپاژ جعلی است (سجّادی، ص ۱۵۱ و خاقانی، ص ۶۵). علاوه بر نظر کارشناسان، چنان‌که در این تصویر پیداست (در پایان سطر هفتم از بالا) کلمه «تسعین» را می‌توان «سبعین» نیز خواند و باید از کسانی که این تصویر را اصیل می‌دانسته‌اند، پرسیده می‌شد چرا آن را موافق گفتار معاصران، تسعین خوانده‌اید و نه سبعین. با این توضیحات، هنگامی که استدلال این دو تاریخ علمی نباشد؛ نمی‌توان آن را پذیرفت.

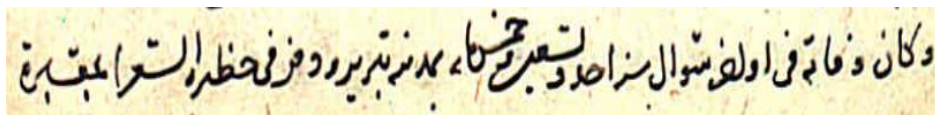
۳-۲-۳. نقد گزارش ۵۹۱ق

شفیعی کدکنی بر اساس دست‌نویس ۴۸۷ لالا اسماعیل ترکیه، این تاریخ را برای درگذشت خاقانی معرفی کرده است. گزارش شفیعی این گونه است:

و کان وفاته فی اوّل شوال سنة احد و تسعین و خمسمائة بمدينة تبریز و دفن فی حظيرة الشعراء بمقبرة سرخاب و مولده بشروان سنة عشرين و خمسمائة (عطار، ص ۷۲).

اولین نکته‌ای که در گزارش شفیعی جلب توجه می‌کند، بدخوانی نسخه است. تصویر (۲) از

این دست‌نویس است:



تصویر ۲: دست‌نویس ۴۸۷ لالا اسماعیل؛ ب ۸۱

در متن مصحح شفیعی «اوّل شوال» آمده است، در حالی که در متن نسخه، «اواخر شوال» ثبت است. شفیعی تاریخ این نسخه را ۷۵۰ق ذکر کرده است؛ در حالی که این دست‌نویس در

سال‌های مختلفی کتابت شده است؛ زیرا انجامه‌های متفاوتی دارد که به سال‌های ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۵۴ و ۷۸۸ ق اشاره دارد.

در مجموع، این دست‌نویس علاوه بر خاقانی، زادسال و سال‌مرگ انوری، اوحدالدین کرمانی، مولوی و همادالدین (تبریزی) را مشخص کرده است. متأسفانه این جنگ در ضبط سال درگذشت خاقانی دقیق نیست؛ چراکه دست‌نویس‌هایی در اختیار داریم که سال دقیق را در خود ضبط کرده‌اند و در قسمت بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت. همین اشکال را می‌توان در ثبت سال درگذشت اوحدالدین کرمانی هم دید. تاریخ مرگ اوحدالدین در این مجموعه این‌گونه است:

الشیخ اوحدالدین محمد بن ابی‌الفخار احمد بن محمد الکرمانی الصوفی ولد فی ذی‌الحجة سنة احدى و ستین و خمسمایة و توفی یوم الاثنین، ثالث شعبان، خمسة و ثلاثین و خمسمایة و دفن بالشونیزية ببغداد (گوینده تبریزی، ص ۸۱).

روشن است که سال درگذشت اوحدالدین به جای «۶۳۵ق»، «۵۳۵ق» ضبط شده که اشتباه است. بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد مؤلف در ذکر جزئیات تواریخ (روز و ماه) درست و دقیق عمل کرده و در ضبط سال به خطا رفته است. منابع کهنی که زادروز و یا سال‌مرگ اوحدالدین را ثبت کرده‌اند، این را تأیید می‌کنند (ابن‌المستوفی الاربلی، ج ۱، ص ۳۰۵ و ابن‌الشعار الموصلی، ج ۶، ص ۳۰۴).

از قضا مؤلف این جنگ هم تبریزی است و احتمالاً با شاعر سرشناسی چون خاقانی که حدود ده سال از عمر خویش را در تبریز به سر برده، آشنا بوده است و احتمالاً بی‌دقتی در نگارش سبب این اشکال است؛ چراکه در مواردی مانند ثبت سال‌مرگ مولوی بسیار دقیق عمل کرده است. به متن توجه کنیم:

ولادة مولانا و سیدنا قدوة‌المحققین، جلال‌الحق و الملة و الدین سادس ربيع‌الاول سنة اربع و ستمایة؛ وفاته قدس‌الله سرّه یوم‌الاحد عند غروب الشمس خامس جمادی‌الآخر سنة اثنین و سبعین و ستمایة (گوینده تبریزی، ص ۱۴۱).

تا اینجا روشن شد که این دست‌نویس در ذکر سال درگذشت خاقانی و اوحدالدین کرمانی اشتباه کرده است، در حالی که در ذکر روز و ماه دقیق است و با این توضیحات، نمی‌توانیم سال پیشنهادی این دست‌نویس را برای درگذشت خاقانی بپذیریم.

۳-۲-۴. نقد گزارش ۵۸۱ق

پیش از این اشاره کردیم باکویی در تلخیص‌الآثارش (تألیف قرن نهم)، سال درگذشت خاقانی را ۵۸۱ق عنوان کرده است. جالب است بدانیم باکو از توابع شروان است و احتمالاً این آگاهی را باکویی به‌واسطه هم‌جواری با شروان یافته است؛ چراکه در آثار‌البلاد قزوینی که باکویی آن را تلخیص کرده، اشاره‌ای به تاریخ درگذشت خاقانی نشده است (القزوینی، ص ۶۰۱). از قضا این درست‌ترین گزارشی است که دست‌نویس‌های ما نیز آن را تأیید می‌کند.

محمدرضا ترکی پژوهشگر دیگری است که همین سال را دریافته و دقیق‌ترین پژوهش را در این موضوع انجام داده است. ترکی نیز بر اساس نسخه کهن منشآت عربی خاقانی که در قرن ششم کتابت شده است، تاریخ درگذشت خاقانی را سال ۵۸۱ ق گفته است. نویسنده مجموعه به گفته ترکی فرد فاضلی است و در ابتدای نامه‌ها گزاره دعایی «قَدَسَ اللهُ رُوْحَهُ وَ نَوَّرَ ضَرْيَحَهُ» را پس از نام خاقانی آورده است. تصویر (۳) گویای این مطلب است:

هَذِهِ سَائِلُ لَفْئَاتِهَا الصَّرْزَاكِيَّةِ الْعَامِ الْإِدِلُ الْمُنْفِذِ
أَفْضَلُ الرِّبَاةِ الْبَرِّينِ عَلَا الْأَسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ مَلِكِ الْهَضَلَاةِ
بِالْعَالَمِينَ أَيْتَةُ الْحَقِّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْبَاطِنِ جَبَّتَانِ الْعِزِّ الْخَائِفَانِ
فَرَسَ اللَّهُ زُوجَهُ وَنَوَّرَ ضَرْيَحَهُ

تصویر ۳: نسخه ۳۷۹۸ (۵۸۱ق)؛ چستریتی؛ ب ۱

پس از دو نامه خاقانی، مقدمه‌ای از دمیه‌القصر باخزری آورده شده و پس از آن انجامه‌ای است که تاریخ، ابتدای رمضان ۵۸۱ ق را نشان می‌دهد؛ تصویر (۴) این انجامه را نشان می‌دهد:

وَسِعَةَ وَجْهِهِ
كُتِبَ عِنْدَ الْوَهَّابِ بْنِ الْفَضْلِ النَّبَرِيِّ وَفِيهِ اللَّهُ
مَرْضَاةٌ جَامِدٌ لِلَّهِ نَعَالٌ وَمِصْلَابٌ عَلَى عُنُقِهِ حَمَلٌ وَالْمِ
عَشْرَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُبَانِكِ سَنَةِ اِجْدَى وَتَمَّازِ مِائَةِ

تصویر ۴: نسخه ۳۷۹۸ چستریتی (۵۸۱ق)؛ ب ۷۹

ترکی بر اساس گزاره دعایی کاتب که نشان از درگذشت خاقانی دارد و نیز ترقیمه دست‌نویس که اول رمضان ۵۸۱ ق را نشان می‌دهد، نوشته است در این تاریخ (اول رمضان ۵۸۱ ق) خاقانی در قید حیات نبوده است (خاقانی، ۵، ص ۶۱).

اگرچه این دقیق‌ترین سال تعیین شده برای درگذشت خاقانی است، اما در روز و سال، مغایر با واقع است؛ یعنی اسناد دیگر نشان می‌دهد که خاقانی حدود دو ماه بعد، یعنی تا اواخر شوال زنده بوده است. بر اساس استدلال‌های زیر، نمی‌توانیم کاملاً بپذیریم تاریخ درگذشت خاقانی پیش از تاریخ موجود در انجامه نسخه، یعنی اول رمضان ۵۸۱ ق است:

الف) چنان‌که در تصویر شماره ۳ پیداست، کاتب دست‌نویس که شخصی فاضل و عربی‌دان است، در عنوان نوشته است: «هذه رسائل»، در حالی که در متن فقط «دو نامه» وجود دارد؛ طبیعتاً برای دو نامه باید عبارت «هاتان رسالتان» می‌آمد؛ این نشان می‌دهد احتمالاً حداقل یک نامه و شاید بیشتر حذف شده است. به گمان دیگر، در پایان نامه یا نامه‌هایی که حذف شده‌اند، انجامه‌ای

وجود داشته است که تاریخ آن پس از سؤال ۵۸۱ ق بوده است. شاید بگوییم استفاده از ساختار جمع برای مثنی و حتی مفرد در ادب عرب سابقه دار است، اما احتمال حذف نامه یا نامه‌ها را دلیل دیگری پشتیبانی می‌کند؛ و آن رکابه‌هایی است که به خط نستعلیق در صفحات وجود دارد و نشان می‌دهد دست کم ۱۵۰ سال پس از کتابت به نسخه افزوده شده‌اند. متأسفانه به سبب سیاه‌وسفیدبودن تصویر نسخه و نیز کیفیت نامناسب آن، به‌درستی مشخص نمی‌شود؛ اما ظاهراً در برگ ۳۲ که نامه دوم تمام می‌شود، رکابه‌ای وجود ندارد. علاوه بر اینها در برگ ۴۵ صفحه‌ای به نستعلیق نگاشته شده است که مطمئناً اختلاف زیادی با تاریخ نگارش آن دارد؛ یعنی این صفحه بعدها به متن اضافه شده است؛ چراکه در قرن ششم، خط نستعلیق معمول نبوده است.

ب) ترقیمه‌ای که در پایان این دست‌نویس وجود دارد، متعلق به بخش پایانی دست‌نویس، یعنی مقدمه دمیه‌القصر است و نمی‌توان تاریخ نگارش نامه‌ها را با این قسمت قطعاً و دقیقاً در یک روز و ماه پنداشت؛ چراکه به احتمال زیاد، بخش نامه‌ها پس از دمیه‌القصر کتابت شده است و در صحافی پیش از آن قرار گرفته است. می‌دانیم که در بسیاری موارد، نخست، کُراسه‌ها تولید و بعد صحافی می‌شدند؛ در این نوع مجموعه‌ها که مطالب پیوستگی موضوعی ندارند، پس و پیش شدن کُراسه‌ها اتفاق محتملی است. گمان دیگری که می‌توان آن را مد نظر قرار داد، به هم ریختن صحافی و صحافی مجدد اثر است؛ یعنی به واسطه عمر طولانی دست‌نویس (بیش از ۸۶۰ سال) شاید در برهه‌ای به علت به هم ریختگی اوراق، دوباره صحافی شده باشد و این پس و پیش شدن متعلق به صحافی دوم باشد. درستی یا نادرستی این احتمال را تنها می‌توان با دیدن دست‌نویس از نزدیک تشخیص داد و آخرین احتمالی که بدون در نظر گرفتن تغییر در صحافی، می‌توان آن را در نظر گرفت، این است که ممکن است مؤلف قسمت مقدمه دمیه‌القصر را ابتدا نگاشته و بعد نامه‌ها را نوشته باشد؛ این اتفاق هم میان کاتبان و نویسندگان بیاض‌ها رایج بوده است.

با این توضیحات و با اسنادی که پس از این عرضه می‌کنیم، روشن می‌شود تاریخ اول رمضان یا پیش از رمضان ۵۸۱ ق برای درگذشت خاقانی دقیق نیست.

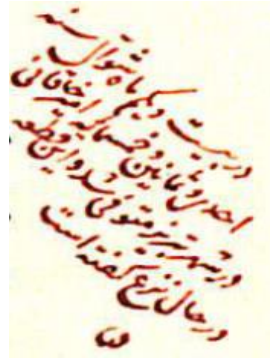
۳-۳. تاریخ دقیق درگذشت خاقانی در دو دست‌نویس کهن

در این قسمت، به دو دست‌نویس معتبر اشاره می‌کنیم که تاریخ درگذشت خاقانی را به شکل دقیق در خود حفظ کرده‌اند؛ نخست، دست‌نویس مضبوط^۴ کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه (کتابت قرن هشتم یا نهم) است که با شماره ۴۳۹ در این مجموعه نگهداری می‌شود. در عنوان قطعه‌ای از خاقانی که در میان دست‌نویس‌های عنوان‌دار به «حال نزع» معروف است، تاریخ درگذشت خاقانی به شکل دقیق ثبت شده است؛ قطعه این است:

منم سرآمد دوران که طبع من داند
چهار جوی جنان از پی جهان کندن
به من به جنبش همت توان رسید بلی
گهر چگونه توان یافت جز به کان کندن

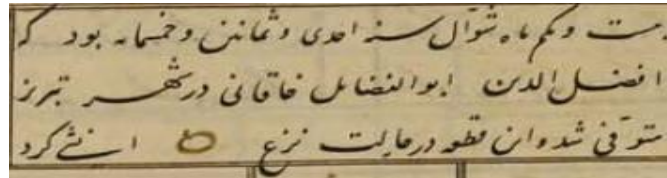
هزار سال فلک جان کند نشیب و فراز
که چون منی به کف آرد مگر به جان کندن
(خاقانی ۳، ص ۹۱۳)

تصویر (۵) عنوان این دست‌نویس را نشان می‌دهد:



تصویر ۵: نسخه ۴۳۹ لالا اسماعیل (قرن ۸ یا ۹)؛ ب ۲۴۹

چنان‌که آشکار است، تاریخ دقیق درگذشت خاقانی این‌گونه ضبط شده است:
در بیست و یکم شوال سنه احدی و ثمانین و خمسمائة امیر خاقانی در شهر تبریز متوفی شد.
شاید بگوییم تنها با یک سند نمی‌توان حکم این دست‌نویس را پذیرفت. نگارنده بسیار خرسند
است که عرض کند در نسخه ۸۴۷ق آستان قدس رضوی نیز دقیقاً همین تاریخ ضبط است؛
تصویر (۶) را ببینیم:



تصویر ۶: نسخه ۴۶۴۴ آستان قدس (۸۴۷ق)؛ ب ۲۶۸

علاوه بر این دو نسخه، اشارت موجود در دست‌نویس ۴۸۷ لالا اسماعیل (تصویر شماره ۲)،
درباره روز و ماه درگذشت خاقانی، یعنی اواخر شوال، با این دو نسخه هماهنگ است و در
مجموع، می‌توان این تاریخ را با اطمینان پذیرفت.

تاریخ «۲۱ شوال ۵۸۱ق» برابر است با «۲۱ اسفند ۵۵۴ یزدگردی» و یا «۷ بهمن ۱۰۷
ملکشاهی». از آنجا که به احتمال زیاد، گاه‌شمار ملکشاهی در روزگار درگذشت خاقانی در تبریز
استفاده می‌شده است، شایسته است روز «هفتم بهمن‌ماه» در تقویم ملی «روز بزرگداشت
خاقانی» نام بگیرد.

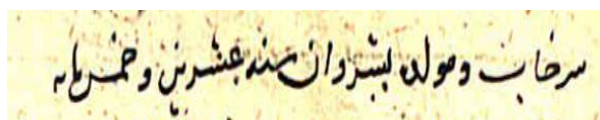
۴. نتیجه

در این جستار به منابع مختلفی که تاریخ درگذشت خاقانی را ثبت کرده بودند، مراجعه کردیم و با
نقد گزارش آن‌ها ثابت کردیم که دقیق‌ترین سال برای وفات خاقانی همان ۵۸۱ق است. سپس با

مراجعه به دو دست‌نویس کهن و مضبوط دیوان خاقانی نشان دادیم او در ۲۱ شوال ۵۸۱ ق درگذشته و گزارش‌های دیگری که درباره مرگ وی نقل شده است، به این اعتبار نیستند.

پی‌نوشت

- مانند آنچه در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ذیل «باکو» نگاشته شده و بر اساس گفتار کراچکوفسکی این اثر برگرفته از هفت اقلیم دانسته شده است (← موسوی بجنوردی، ج ۱۱، ذیل «باکو»).
- تاریخ درگذشت خاقانی در تذکرة الشعراء، تصحیح براون، این‌گونه ثبت شده است: وفات افضل‌الدین خاقانی در شهر تبریز بوده، در شهر سنه اثین و ثمانین و خمسمائة و در سرخاب تبریز آسوده است (دولت‌شاه ۱، ص ۸۲).
- نسخ دیگر نیز همین سال (۵۸۲ ق) را دربردارند (← همان، ص ۹۸). این تاریخ در تصحیح جدید تذکرة الشعراء به ۵۸۳ ق تبدیل شده و دانسته نیست منشأ این سهو، حروف‌نگاری و یا اشتباه مصحح در ضبط متن است (← همان، ص ۱۴۶).
- تصویر (۷) سال تولد خاقانی را در نسخه ۴۸۷ لالا اسماعیل نشان می‌دهد:



تصویر ۷: جنگ ۴۸۷ لالا اسماعیل (۷۴۲ ق): ب ۸۲

- در جستاری دیگر، درستی و صحت ضبطها و عنوان‌های موجود در این نسخه بررسی شده است که انشاءالله به‌زودی منتشر خواهد شد.

منابع

- آزاد بلگرامی، محمدعلی، خزانه عامره، چاپ هومن یوسفدهی، مجلس، تهران ۱۳۹۳.
- آذر بیگدلی، لطفعلی بیک، تذکرة آتشکده، چاپ جعفر شهیدی، نشر کتاب، تهران ۱۳۳۷.
- ابن الشعار الموصلي، فلاندر الجمال في فراند الشعراء هذا الزمان، تحقیق کامل سلمان الجبوري، ج ۶، دار الکتب العلمیة، بیروت ۲۰۰۵.
- ابن المستوفي الاربلي، تاریخ اربل، تحقیق سامی الصقار، ج ۱، دار الرشید، عراق ۱۹۸۰.
- اسرار تبریزی، محمدکاظم، منظر الاولیاء، چاپ هاشم محدث، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۸۸.
- باکویی، عبدالرشید صالح، تلخیص الآثار و عجائب الملك القهار، ترجمه و علق علیه ضیاءالدین بن موسی بونیاتوف، دار نشر العلم، مسکو ۱۹۷۱.
- بقایی بخارایی، محمدعارف، مجمع الفضلاء، چاپ محمد خشکاب، بنیاد شکوهی، تهران ۱۳۹۳.
- بناکتی، تاریخ بناکتی، چاپ جعفر شعار، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۴۸.
- بهاری سیستانی، شاه حسین، تذکرة خیرالبیان، چاپ عبدالعلی اویسی کهخا، دانشگاه، زاهدان ۱۳۹۷.
- حاجی خلیفه، مصطفی، تقویم التواریخ، ترجمه ناشناس، چاپ میرهاشم محدث، میراث مکتوب، تهران ۱۳۷۶.
- حمیدی شیرازی، مهدی، بهشت سخن، پاژنگ، تهران ۱۳۷۱.
- خاتون‌آبادی، سیدعبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، چاپ محمدباقر بهبودی، کتاب‌فروشی اسلامیة، تهران ۱۳۵۲.
- خاقانی (۱)، دیوان اشعار، دست‌نویس ش ۴۳۹، کتابخانه لالا اسماعیل، ترکیه.

- _____ (۲)، دیوان اشعار، نسخه خطی ش ۴۶۴۴، کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد.
- _____ (۳)، دیوان اشعار، چاپ ضیاء الدین سجّادی، زّوار، تهران ۱۳۷۸.
- _____ (۴)، مجموعه، منشآت عربی خاقانی و مقدمه دمیة القصر، نسخه ۳۷۹۸، چستریتی، دوبلین.
- _____ (۵)، غایت ابداع، منشآت عربی خاقانی، چاپ محمدرضا ترکی، خاموش، تهران ۱۳۹۸.
- خواندمیر، غیث‌الدین، حبیب السیر فی اخبار افراد یشر، چاپ محمّد دبیرسیاقی، خیام، تهران ۱۳۸۰.
- دولت‌شاه، ابن بختیشاه (۱)، تذکرة الشعرا، چاپ ادوارد براون، اساطیر، تهران ۱۳۸۲.
- _____ (۲)، تذکرة الشعرا، نسخه خطی ۸۴۱۲، کتابخانه دانشگاه تهران، تهران.
- _____ (۳)، تذکرة الشعرا، چاپ فاطمه علاقه، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران ۱۳۸۵.
- دبیهیم، محمّد، تذکرة شعرای آذربایجان، آذربادگان، تبریز ۱۳۷۱.
- رازی، احمد امین، هفت اقلیم، چاپ سیّد محمدرضا طاهری (حسرت)، سروش، تهران ۱۳۷۸.
- رضازاده شفق، صادق، تاریخ ادبیات ایران، دانشگاه پهلوی، تهران ۱۳۵۲.
- ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریّه، ترجمه عیسی شهابی، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۵.
- زّین‌کوب، عبدالحسین، با کاروان حلّه، علمی، تهران ۱۳۷۸.
- شاهنوازخان، میرزا عبدالرزّاق، بهارستان سخن، چاپ عبدالحمّد آیتی و حکیمه دسترنجی، مرکز آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۸.
- شبللی نعمانی، محمّد، شعر العجم، ترجمه سیّد محمّد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ دوم، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۲.
- شیرازی، محمّد معصوم، طرائق الحائق، چاپ محمّد جعفر محبوب، سنایی، تهران ۱۳۴۵.
- شیروانی، زین‌العابدین، ریاض السیاحة، چاپ اصغر ربّانی، سعدی، تهران ۱۳۶۱.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، فردوس، تهران ۱۳۶۹.
- عطار نیشابوری، منطق الطیر، چاپ محمدرضا شفیعی کدکنی، سخن، تهران ۱۳۸۳.
- فخری هروی، محمّد، روضة السلاطین و جواهر العجایب، چاپ سیّد حسام‌الدین راشدی، انجمن ادبی سندی، حیدرآباد ۱۹۶۸.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، زّوار، تهران ۱۳۸۷.
- فصیح خوافی، مجمل فصیحی، چاپ محمود فرخ، باستان، مشهد ۱۳۴۰.
- القزوی، زکریا بن محمّد، آثار البلاد و أخبار العباد، دار صادر، بیروت ۱۳۸۹ق.
- کاشانی، تقی‌الدین، خلاصة الأشعار و زبدة الأفكار، نسخه خطی ش ۲۷۲، کتابخانه مجلس، تهران.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین، روضات الجنان و جنّات الجنان، چاپ جعفر سلطان القرائی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۴.
- گوپاموی، محمّد قدرت‌الله، تذکرة نتایج الأفكار، چاپ یوسف بیگ باباپور، مجمع ذخایر اسلامی، قم ۱۳۸۷.
- گوینده تبریزی، حاجی محمّد، جنگ خطی، ش ۴۸۷، کتابخانه لالا اسماعیل، ترکیه.
- لودی، شیرعلیخان، تذکرة مرآة الخیال، چاپ بهروز صفرزاده، روزنه، تهران ۱۳۷۷.
- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، چاپ عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۴.
- موسوی بجنوردی، محمّد کاظم، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۱.
- هدایت، رضاقلیخان، مجمع الفصحاء، چاپ مظاهر مصفّا، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۲.
- همایی، جلال‌الدین، تاریخ ادبیات، چاپ ماهدخت بانو همایی، هما، تهران ۱۳۷۵.
- یمنی، نظام‌الدین، لطایف اشرفی، چاپ محمّد یاسین قادری، حلقه اشرفیه، کراچی ۱۹۹۹.